

از آنجایی که انسان دارای بُعدی عاطفی و احساسی ست طبیعی ست که در فراق و فقدان عزیزانش یا در هنگام مواجهه با رنج و محنت آنها یا دیگر انسان های مظلوم اندوهگین شود و از شدت اندوه سینه اش تنگ شود و قلبش به درد آید و در نتیجه آن سرشک اشک از دیدگانش جاری شود. گریستن نشانه رحمت و رقت قلب است. گریه در فقدان عزیزان در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و انبیاء الهی علیهم السلام وجود داشته است و اسناد آن در کتب شیعه و سنی فراوان است.

چرا عزاداری؟

چرایی عزاداری بر سیدالشهداء علیه السلام

از دو جنبه عقلی و نقلی

گروه تحقیق و مطالعه پدر مهربان؛ پژوهشکده مسیحیت

ما در این نوشتار کوشیده ایم تا علاوه بر اسناد شیعی با ارائه اسنادی از کتب سنی و نیز کتب غیر اسلامی افراد غیرمطلعی را که تحت تأثیر تهمت های ناجوانمردانه و غیرمستند بدخواهان شیعه و دوستداران اهل بیت قرار می گیرند دوستانه آگاه سازیم. ما در این نوشتار به چرایی عزاداری بر سیدالشهداء علیه السلام از دو جنبه عقلی و نقلی پرداخته ایم.

بخش هایی از این کتاب را در ادامه می خوانیم:

ظلمی که بر انبیاء و اوصیای ایشان علیهم السلام شده است خصوصاً ظلمی که در حق بهترین آفریده های خداوند یعنی وجود نازنین پیامبر رحمت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی ایشان یعنی حضرت علی علیه السلام که نفس پیامبر معرفی شده اند و دردانه ایشان حضرت زهرا سلام الله علیها و دو پاره قلب آن حضرت امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السلام و بقیه ائمه که فرزندان پیامبر اکرم و اوصیای گرامی آن حضرت هستند شده است هرگز نباید فراموش شود و باید در طول تاریخ مرتباً و مکرراً به مناسبت های مختلف بازگو شود تا حقیقت باقی بماند.

ظلمی که بر امام حسین علیه السلام رفته است در طول تاریخ مانند نداشته است؛ مصیبتی که خداوند در حدیث قدسی زیارت عاشورا آن را اعظم مصائب خوانده است. آن حضرت جگرگوشه رسول خدا و پنجمین آل عبا بودند که به همراه هجده تن از بنی هاشم که مثل آنان در عالم خلقت وجود ندارد و به همراه اصحابی بی نظیر که اصحاب هیچ یک از امامان علیهم السلام با آنها همردیف نمی شوند در کربلا عطشان به شهادت رسیدند و چنان در حق ایشان و خانواده و فرزندان آن حضرت سنگدلی و بی رحمی شد که نه قلم را قدرت بیان است و نه دل را تاب شنیدن ...

با نگاهی به روایات معصومین علیهم السلام در می یابیم که گوهر ایمان به اشک بر سیدالشهداء علیه السلام آفریده شده است و اینکه با ذکر نام آن حضرت دل شکسته و اشک جاری شود نشانه وجود ایمان است.

همچنین بیان روشن روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السلام بر این نکته تأکید دارند که **حزن و اندوه و گریه و اظهار جزع برای ابا عبدالله الحسین علیه السلام نه تنها عبادت است که با تارو پود نظام خلقت عجین شده است و سنت عزاداری و گریه بر سیدالشهداء علیه السلام طویلاً و عرضاً نظام خلقت را فراگرفته است** یعنی در طول زمان از ابتدای تاریخ از زمان حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام تا هنگامه قیامت و در صحنه محشر که در آنجا هم روضه سیدالشهداء علیه السلام برپا می شود و در عرض آفرینش که همه موجودات از زمین و آسمان گرفته تا ملائک و جنیان و پرندگان آسمان و ماهیان دریا و حیوانات صحرا و... که همه بر امام حسین علیه السلام گریستند و می گیرند.

گریه و عزاداری برای پیامبر خاتم و ائمه معصومین علیهم السلام علاوه بر آن که نشانه معرفت و محبت به آن ذوات مقدسه است از شعائر دین نیز محسوب می شود که هر مؤمنی موظف به حفظ و اقامه آن است.

امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین می فرمایند که حضرت سیدالشهداء علیه السلام خون قلبشان را در راه خداوند متعال نثار کردند تا بندگان خدا از نادانی و سرگردانی گمراهی رهایی یابند. در واقع آن حضرت با بذل همه داشته های خود و دادن خون قلب مبارکشان در راه خدا در برهوت دنیا و در تاریکی های تاریخ چراغ هدایت گشتند. به این ترتیب از سوئی جانفشانی آن حضرت قلب های خفته را بیدار می کند و در مسیر هدایت قرار می دهد و از سوی دیگر گریه بر آن حضرت نور هدایت را تفضلاً هر چه بیشتر در قلب ها می تاباند.

شاید به همین دلیل است که مشهور است **اگرچه همه اهل بیت علیهم السلام کشتی های نجات هستند، کشتی نجات ابا عبدالله الحسین علیه السلام وسیع تر و سریع تر است؛ کشتی ای که بر قطرات اشک عزاداران آن حضرت روان است؛ قطرات اشکی که به فضل الهی می تواند انسان را به مرحله ای از عبودیت برساند که شاید صدها سالها عبادت بدانجا نرساند...**

شیعیان و دوستداران اهل بیت که در شادی محبوب شان شاد و در حزن محبوب خود اندوهگین می شوند در عصر غیبت همراه با امام زمان خود بر مصیبت هایی که بر خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده است می گریند و نوحه و ناله می کنند و هر ساله و نسلی پس از نسل دیگر به اقامه عزا و ذکر مصیبت می پردازند تا ظلم هایی که به آن خاندان پاک شده است هرگز فراموش نشود و میراث گرانقدر معارف حقه شیعه به برکت چنین مجالسی سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شود ...

اقامه ی عزای سیدالشهداء علیه السلام اقتدا به امامان معصوم علیهم السلام است و اظهار دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا ست. در دل این عزاداری ها معرفتی نهفته است و محبتی که خود عامل نجات است. معرفتی که محب اهل بیت علیهم السلام را در این عصر غفلت ها و شبهه ها و فتنه ها بیدار نگاه می دارد تا همیشه هشیار و خدمتگزار امام زمان خود باشد و همواره اولین دعایش دعا برای نجات محبوبش از زندان غیبت و اولین دغدغه اش شاد کردن دل آن حضرت و اولین حرکتش کسب علم و معرفت برای رهایی خود و دیگران از جهل و گمراهی باشد و عزمی قوی در ترک گناهان و رعایت تقوا داشته باشد...

فهرست مطالب

فصل اول: چرا عزاداری، چرا گریه؟

فصل دوم: بزرگداشت شعائر الهی

فصل سوم: سنت عزاداری پیشینیان در قرآن و عهدین (کتاب مقدس)

فصل چهارم: عزاداری در سنت نبوی در کتب سنی

فصل پنجم: انبیاء و اوصیاء علیهم السّلام در سوگ امام حسین علیه السّلام

فصل ششم: گریه عالم خلقت برای امام حسین علیه السّلام

فصل هفتم: قسمتی از فضائل گریه و اقامه عزا برای اهل بیت علیهم السّلام به

خصوص حضرت سیدالشهدا علیه السّلام

فصل هشتم: پایانین سخن

فهرست منابع

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فصل اول

چرا عزاداری، چرا گریه؟

الف- برخی می گویند چرا باید بعد از حدود ۱۴۰۰ سال بر وقایع رخ داده بر اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گریست و برای آنان عزاداری کرد؟ آیا حوادث و رخداد‌های آن زمان مسئله ای مربوط به زمان خود آنها و مربوط به اختلاف آنان در دستیابی به خلافت دنیای اسلام نبوده است؟ در حال حاضر چه نیازی به ذکر و یادآوری آن وقایع وجود دارد؟

پاسخ این پرسش در شناخت جایگاه پیامبر اکرم و اهل بیت مکرم ایشان صلی الله علیه و آله اجمعی نهفته است. خالق یکتا که جهان هستی و انسان را خلق کرده است در خصوص هدف آفرینش انسان فرموده است:

"و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون."

و جن و انسان را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند. (قرآن کریم؛ سوره ذاریات(۵۱) آیه ۵۶)

در نتیجه هدف خلقت انسان عبودیت و بندگی خالق یکتاست. اما بشر از کجا بداند که چگونه باید خداوند یکتا را عبادت کند. خداوند عز و جل خود تعیین کننده نحوه این عبادت و بندگی است. او از همان آغاز حضور انسان بر روی زمین حجت و نبی ای را تعیین کرد که واسطه بین او و انسان ها باشد و پیام خداوند یکتا را به مردم برساند و توحید و اعتقادات صحیح و حق و معرفت و محبت به پیامبر آخر الزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان صلی الله علیه و آله اجمعی را متذکر آنان شود و نحوه چگونه زندگی کردن و طاعت و بندگی خداوند را به آنان بیاموزد.

اولین حجت خداوند بر روی زمین حضرت آدم علیه السلام بود و پس از ایشان پسرشان شیث و... حضرت نوح و پسرشان سام و... حضرت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و یوسف و... موسی و هارون و یوشع و... عیسی و شمعون و... علیهم السلام حجت خداوند بودند و در نهایت خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و پس از ایشان حضرت علی علیه السلام و امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السلام و پس از ایشان تئ امام از فرزندان امام حسین علیه السلام یکی پس از دیگری تا به امروز که حجت خدا بر روی زمین حضرت مهدی علیه السلام است.

از روز نخست حضور انسان بر روی این کره خاکی تا پایان این جهان زمین هرگز از حجت خداوند خالی نبوده و نخواهد بود. انبیاء یکی پس از دیگری بر اقوام گوناگون مبعوث شدند و همه اوصیاء و

جانشینان پس از خود را که از سوی خداوند برگزیده شده بودند به مردم معرفی کردند و آنها را سفارش به تبعیت از آن اوصیاء کردند تا مردم از راه حق انبیاء و تعالیم آسمانی ایشان منحرف نشوند و دزدان عقیده و شیاطین جنی و انسی ایمان آنان را نربایند.

تا آنکه نوبت به آخرین پیامبر الهی رسید و ایشان - که خداوند در حقشان فرمود ای مجدد اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی کردم - نیز دین الهی و تعالیم آسمانی را در جامعه ای که به شدت از تعالیم توحیدی حضرت ابراهیم علیه السلام منحرف گشته و مشرک شده بودند به مردم تعلیم فرمودند و با مشقت های بسیار و تحمل آزارهای فراوان قومشان رسالت خویش را ابلاغ فرمودند و همواره از همان آغاز ابلاغ رسالت خویش تا آخرین لحظات عمر گهربارشان در مکان ها و زمان ها و موقعیت های گوناگون جانشینان و اوصیای پس از خود را که برگزیده خداوند متعال بودند به مردم معرفی کردند و بالاخص در غدیر خم به صورت رسمی حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین پس از خود به مردم معرفی نمودند و از آنان بر اطاعت از او پیمان گرفتند تا مردم پس از ایشان از صراط مستقیم منحرف نشوند و سعادت ابدی را از دست ندهند.

ائمه معصومین علیهم السلام خلیفه الله و چراغ هدایت و راهنمای همه انسان ها به صراط مستقیم و نجات دهنده بشر از گمراهی و شقاوت و رساننده آنان به سعادت هستند. بقای دین الهی و حفظ تعالیم پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و در نتیجه رسیدن مردمان به سعادت ابدی به وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام وابسته است.

با این شناخت از ائمه معصومین علیهم السلام در می یابیم که حوادثی که بر آنان رخ داد و غصب مقام خدادای ایشان و ظلم و ستم هایی که بر ایشان روا شد موجب تحریف دین و به گمراهی کشانده شدن بسیاری از مردمان از صراط مستقیم گشت. در نتیجه آن وقایع تنها مربوط به زمان گذشته نیست و ما خود در عصر حاضر می توانیم نتایج شوم آن را ببینیم: انحرافات عقیدتی و شرک به اشکال گوناگون و انحرافات اخلاقی و بی عدالتی ها و ظلم و ستم ها و...

از سوی دیگر فطرت انسان با توحید و با معرفت به اهل بیت علیهم السلام سرشته شده است و همه افراد بشر اگر فطرت خود را از غبار گناه و زشتی پاک نگاه داشته باشند معرفت به حضرت مجدد مصطفی صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و امام حسن مجتبی و حضرت سیدالشهداء علیهما السلام و نه فرزند معصوم ایشان

بالاخص حضرت مهدی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را در عمق دل و جان خود می یابند.

با وجود معرفت به جایگاه ائمه معصومین علیهم السلام و با وجود محبت به آن حضرات معصومین چگونه می توان نسبت به آنان و رخدادهایی که برای ایشان اتفاق افتاده است بی تفاوت بود. وقایع رخ داده بر اهل بیت علیهم السلام تنها وقایعی تاریخی نیست که بر مردمانی عادی رخ داده باشد. این وقایع جانسوز و جانگداز بر بهترین آفریده های خداوند روی داده است و اثر آنها بر زندگی و سرنوشت و عاقبت همه انسان ها تا به امروز دیده می شود که همان غیبت حجت و ولی خدا و امام مردمان است که هدایتگر آنها و مهربان و دلسوز به آنان می باشد.

ما در این سایت (www.maseeh.ir) به اشکال مختلف کوشیده ایم تا نشان دهیم که چگونه دین خداوند، پس از انبیائی چون موسی و عیسی و... علیهم السلام در دستان غاصبان و ظالمان محبوس بوده است. بله! آنگونه که در نهج البلاغه آمده است دین خداوند قربانی اسارت بوده است. واژه "**اسیر**" دقیقاً کلمه ای است که امیر المؤمنین حضرت علی علیه السلام برای اشاره به دین خدا و کاری که غاصبان با آن کردند به کار برده اند.

آن حضرت در قسمتی از نامه خود به مالک اشتر فرمودند:

"... فان هذا الدين قد كان اسيرا في ایدی الاشرار يعمل فيه بالهوى و تطلب به الدنيا."
...همانا این دین در دست اشرار اسیر گشته بود و با نام دین به هواپرستی پرداخته و در طلب دنیا بودند. (نهج البلاغه ، نامه ۵۳)

در طول تاریخ، با اعتنا نکردن به فرامین الهی و تغییر آنها و نیز با تلاش برای محبوس کردن دین آسمانی "الله" ﷻ در مرزهای فلسفی مشرکان و الهی نامیدن آن و محدود کردن آن به افق های خیالی از همه انواع صوفی گری جدید و قدیمی و عرفان و ... دین الهی محبوس شده است و در نتیجه سعادت ابدی انسان در چنگال های وحشی تحریفات اسیر گشته است!

برای آنهایی که واقعاً "الله" ﷻ و خواست های او را بیش از هر چیز دیگری دوست داشته اند ، بیش از پول و قدرت و حتی بیشتر از فرزندان و عزیزانشان، مشاهده اسارت دین خدا سخت بوده است. از طرف دیگر برای آن سیاه دلانی که خود را از دیدن و درک حقیقت نابینا کرده اند و مانع خود از یافتن حب شان برای خدا شده اند، زندگی شان روزمرگی های دنیایی و حیوانی

است اما در هنگام ترک این دنیا آنها سرانجام با آنچه از آن می‌گریختند روبرو می‌شوند...

اما برای کسانی که خداوند را واقعاً بیش از هر چیز دوست می‌دارند، مثل امام حسین علیه السلام، این زندگی سرشار از دلشکستگی‌ها بوده است. سخت‌ترین چیز برای چنین افرادی - اینچنین دوست داشتنی و بخشنده - همیشه دیدن اسارت دین خداوند و در نتیجه مشاهده افراد در راه‌شان به سوی هلاکت بوده است. البته امام حسین علیه السلام از سوی خداوند به عنوان امام برگزیده شده بودند بنابراین **به فرمان او** واکنش نشان دادند و با خونشان بر قلب همه کسانی که اهمیت می‌دهند تا ابد این هشدار سرخ را که دین خداوند در اسارت است نوشتند.

اما ما که در عصر غیبت امام معصوم زندگی می‌کنیم، نظاره‌گر پیامدهای شوم اسارت حقیقت هستیم و هر از چندگاهی می‌کوشیم تا شاید توفیق یابیم فردی را از خواب غفلت بیدار کنیم؛ البته این خود در صورتی ست که خودمان به خواب نرفته باشیم! ما با تمام وجود برای عشق مان -حقیقت- که اسیر شده است می‌گرییم، و برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام -پادشاه حقیقت- دعا می‌کنیم تا زمانی که سرانجام دین خداوند پس از چنین اسارت طولانی ای آزاد شود.

ب- برخی می گویند چرا باید بر وقایع عاشورا گریست؟ چرا خوشحال نباشیم از اینکه امام حسین علیه السلام به چنین جایگاه رفیعی نزد خداوند رسیدند؟

این حقیقتی غیر قابل انکار است که دیدن و شنیدن مصائب دیگر انسان ها همواره دل انسان های پاک فطرت را به درد می آورد و آنها را اندوهگین می سازد.

از سویی انسان زمانی که عزیزی را از دست می دهد در فقدان او متأثر و غمگین می شود. هرچه محبت و علاقه و انس با آن فرد برای او بیشتر بوده باشد غم او هم از فراق او افزون تر می شود و در نتیجه گریستن و عزاداری اش شدت بیشتری می یابد. اگر آن عزیز از دست رفته فرد مؤمنی بوده باشد که در درگاه خداوند عزیز و نزد مردمان شریف و دارای فضایی اخلاقی بوده باشد اندوه از دست دادن او دوچندان می شود. حال اگر آن عزیز از دست رفته به صورتی دردناک و دلخراش و همراه با مصائبی جانسوز به شکلی مظلومانه کشته شده باشد و به همراه او فرزندان و عزیزترین نزدیکانش هم در پیش چشمان او مظلومانه کشته شده باشند و زنان و فرزندان او پس از او به اسارت ظالمان در آمده باشند شدت حزن بر او به همان نسبت شدیدتر و شدیدتر و شدیدتر می شود تا جایی که ممکن است در اثر شدت مصیبت و عدم تحمل سنگینی آن قلب که مرکز احساسات و عواطف است بایستد و فرد مصیبت دیده جان ببازد.

اگر آن مؤمن در راه خدا شهید شده باشد و به این طریق شهادتش موجب رسیدن او به درجات معنوی بالا و ورود به بهشت خداوندی و وصول به سعادت ابدی شده باشد، اگرچه انسان می داند که او اینک نزد خداوند متنعم است بازهم در غم فقدان او و برای رنج و سختی هایی که او متحمل شده و ظلمی که به او روا شده است می سوزد و می گرید. در واقع خوشحالی ناشی از نائل شدن به سعادت ابدی عزیز از دست رفته اش و داغ از دست دادن او و اندوه از رنج ها و سختی هایی که آن عزیز از دست رفته متحمل گشته است دو موضوع کاملاً مجزای از هم هستند. اما برخی افراد متأسفانه یا در اثر جهل تمایز این دو را از هم تشخیص نمی دهند یا به عمد آن دو را با هم خلط می کنند تا به مقاصد شیطانی خود برسند و گریستن و عزاداری برای سید الشهداء علیه السلام را زیر سؤال می برند.

حال آنکه از وجود مقدس آقا اباعبدالله الحسین علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

"انا قتیل العبرة لا یذکرنی مؤمن الا بکی."

من کشته اشک هستم؛ هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آنکه می گیرد. (کامل الزیارات ص ۱۰۸ ح ۶)

مصائب کربلا به قدری تکان دهنده و جانسوز است که شنیدن آنها همه دلها را به درد می آورد. سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیره اهل بیت علیهم السلام اهتمام به برگزاری مجالس عزاداری و گریه بر امام حسین علیه السلام بوده است. قدمت این سنت به قدمت تاریخ خلقت است تا آنجا که همه انبیاء علیهم السلام حتی پیش از تولد امام حسین علیه السلام با گریه بر ایشان و لعن قاتلانیشان رفعت مقام خویش را در درگاه الهی سبب شده اند و پیروان خود را نیز به این مهم امر نموده اند. (بحار الانوار ج ۴۴ باب ۳۰؛ کامل الزیارات ص ۶۷ باب ۲۱)

باید در نظر داشت که حوادث تلخ و تکان دهنده عاشورا و آن مصائب عظیم بر برترین و عزیزترین مخلوق خداوند و بر حجت و خلیفه خداوند که هدایتگر انسان ها به سوی نور و سعادت است رخ داده است.

این مصائب برای کسی رخ داده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حقشان فرمودند:

"حسین منی و انا من حسین ..."

حسین از من است و من از حسینم. سند شیعه: کامل الزیارات ص ۵۲ و ...؛ اسناد سنن: سنن ترمذی، مناقب الحسن و الحسین ۱۲، ۳۴۵؛ مسند حنبل ۲۵، ۴۴۰ و ...)

"او ریحانه من و نور دو چشم من است." (بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۷۰)

"او سرپرست ایمانیان، دادرس دادخواهان، پناه پناهندگان، بزرگ جوانان بهشت و وسیله رهایی امت است. فرمانش فرمان من و فرمانبری از او فرمان بری از من است و عصیان گر او از من نیست." (موسوعة الامام الحسین علیه السلام ص ۱۰۱)

روایت شده است امام سجاد علیه السلام در تمام عمر شریف خود پس از واقعه عاشورا بر مصائب عاشورا گریستند. به ایشان عرضه داشتند آیا زمان آن نرسیده است که اندوه شما پایان پذیرد؟

حضرت فرمودند: وای بر تو، یعقوب پیامبر علی نبینا و آله و علیه السلام دوازده پسر داشت. خداوند یکی از آنها را از نظر او پنهان نمود. پس چشم هایش از شدت گریه سفید گردید و از اندوه

پشتنش خمیده شد؛ با این که پسرش زنده بود؛ در حالی که من به چشم خود پدر و برادر و عمویم و هفده نفر از بستگانم علیهم السلام را بر گرد خویش کشته دیدم. پس چگونه حزنم پایان داشته باشد؟ (برگرفته از بحار الانوار ج ۴۶ ص ۱۰۸ ح ۱؛ مناقب آل ابی طالب علیه السلام ج ۴ ص ۱۶۵)

چگونه عزادار سید الشهداء علیه السلام نباشیم در حالی که امام زمان علیه السلام همچنان بر ایشان عزادارند و هر صبح و شام بر ایشان می‌گریند؟!

"یا جداه اگر روزگار مرا به تأخیر انداخت و دور ماندم از یاری تو و نبودم تا با دشمنان تو جنگ کنم و با بدخواهان تو پیکار نمایم، هم اکنون هر صبح و شام بر شما اشک می‌ریزم و به جای اشک در مصیبت شما خون از دیده می‌بارم و آه حسرت از دل پر درد بر این ماجرا می‌کشم." (فرارزهایی از زیارت ناحیه مقدسه، بحار الانوار ۹۸، ص ۳۲۰)

فصل دوم

بزرگداشت شعائر الهی

حفظ و بزرگداشت شعائر الهی از دستورات دین اسلام است. قرآن کریم می فرماید:

"...و من يُعظیم شعائر الله فانها من تقوی القلوب"

...و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد بی تردید آن نشانه تقوای دل هاست. (قرآن کریم، سوره حج (۲۲)، آیه ۳۲)

شعائر یعنی علامت هایی که نشان دهنده اعتقادی ست که برای فرد یا مکتبی مقدس است. عزاداری سیدالشهداء علیه السلام از نمونه های بارز تعظیم شعائر الهی ست. از جمله شعائر حسینی علیه السلام عبارتند از لباس و پرچم مشکی و برگزاری مراسم عزاداری و راه انداختن دسته عزاداری و گریه و نوحه و ناله و ضجه و سینه زدن و... در روایات جزع و بی تابگی کردن برای هر امری مکروه دانسته شده است مگر جزع و بی تابگی کردن برای مصائب امام حسین علیه السلام که در این مورد وعده اجر نیز داده شده است. (کامل الزیارات ص ۱۰۰؛ بحارالانوار ج ۴۴، ص ۲۹۱)

بزرگداشت شعائر حسینی در واقع مصداق زنده نگاهداشتن امر مجّد و آل مجّد صلی الله علیه و آله است که صاحبان امر الهی هستند. این زنده نگاهداشتن امر در قلوب و اعتقادات مؤمنین تا زمان ظهور آخرین صاحب امر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف-منتقم خون اباعبدالله الحسین علیه السلام و همه انبیاء و اوصیاء علیهم السلام که ظالمانه به شهادت رسیدند -ادامه خواهد داشت تا ان شاء الله هر چه زودتر به دست مبارک آن حضرت امر الهی در سراسر گیتی گسترده شود.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که از فردی پرسیدند :

آیا به دور هم می نشینید و از ما یاد می کنید؟

او پاسخ داد: بله.

امام فرمودند: برآستی من اینگونه مجالس را دوست دارم. امر ما را احیا کنید. خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیا کند. کسی که ما را یاد کند یا در نزد او یاد شویم و اشک از دیدگانش جاری شود ولو به اندازه بال مگسی خداوند همه گناهان او را اگرچه به اندازه کف روی دریا باشد

می آمرزد. (وسائل الشیعه ج ۱۴، ص ۵۰۱)

فصل سوم

سنت عزاداری پیشینیان

سنت عزاداری در میان انبیاء پیشین علیهم السلام و پیروان آنان به وضوح مشاهده می شود. برای نمونه به موارد زیر که از کتب سنی و عهدین انتخاب شده است اشاره می شود:

۱- آدم و حوا علیهما السلام در سوگ هابیل

در مورد سوگواری حضرت آدم و حوا علیهما السلام برای فرزندشان هابیل در کتب سنی آمده است:

پدر و مادر بشریت (آدم و حوا علیهما السلام) چنان طولانی بر هابیل گریستند که اشک هایشان به نهری مبدل شد. (تاریخ یعقوبی ج ۱ ص ۳)

۲- یعقوب علیه السلام در فراق یوسف علیه السلام

در تورات اندوه شدید حضرت یعقوب علیه السلام در فراق حضرت یوسف علیه السلام اینگونه توصیف شده است:

...پس آن را شناخته، گفت: ردای پسر من است! جانوری درنده او را خورده است، و یقین یوسف دریده شده است. و یعقوب رخت خود را پاره کرده، پلاس دربر کرد، و روزهای بسیار برای پسر خود ماتم گرفت. و همه پسران و همه دخترانش به تسلی اوبرخاستند. اما تسلی نپذیرفت، و گفت: سوگوارنزد پسر خود به گور فرود می‌روم. پس پدرش برای وی همی گریست. (عهد عتیق، سفر پیدایش باب ۳۷، عبارات ۲۳-۲۵)

درقرآن کریم در این باره آمده است:

"و تَوَلَّى عَنْهُمْ وَ قَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ (84) قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذَكُرُ يُونُسَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ (85) قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِيَّ وَ حُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (86)"

و [حضرت یعقوب علیه السلام] از آنان روی گرداند و گفت: ای افسوس بر یوسف! و چشمانش از غصه سپید شد و داغ دل می نهفت. گفتند: به خدا سوگند تو پیوسته یوسف را یاد می کنی تا سرانجام یا بیمار شوی یا خود را هلاک کنی. گفت: من شرح درد و اندوه خویش را تنها با خدا می گویم، و از خداوند چیزی می دانم که شما نمی دانید. (قرآن کریم؛ سوره یوسف (۱۲)، آیات ۸۴ الی ۸۶)

۳- سوگواری برای حضرت موسی و هارون علیهما السلام در تورات

همانطور که قبلاً هم در دیگر مقالات این سایت اشاره کردیم همه انبیاء و اوصیای ایشان علیهم السلام که وفات یافتند به شهادت رسیدند. برای نمونه از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

در آن شبی که امیر مؤمنان علیه السلام کشته شد هر سنگی را که از زمین بلند می‌کردند زیر آن خون تازه بود چنانچه در شبی که هارون برادر موسی علیه السلام کشته شد و شبی که در آن یوشع بن نون کشته شد و شبی که در آن حضرت عیسی بن مریم به آسمان رفت و شبی که در آن شمعون بن حمون صفا به قتل رسید چنین بود و همچنین شبی که در آن حسین بن علی علیهما السلام به قتل رسید زیر هر سنگی که برداشته می‌شد خون تازه دیده می‌شد. (کامل الزیارات؛ ص ۷۶)

در تورات آمده است که بنی اسرائیل برای حضرت هارون و برای حضرت موسی علیهما السلام سی روز عزاداری کردند.

و چون تمامی جماعت دیدند که هارون مرد، جمیع خاندان اسرائیل برای هارون سی روز ماتم گرفتند. (عهد عتیق، سفر اعداد، فصل ۲۰، عبارت ۲۹)

و موسی چون وفات یافت، صد و بیست سال داشت، و نه چشمش تار، و نه قوتش کم شده بود. و بنی اسرائیل برای موسی در عربات موآب سی روز ماتم گرفتند. پس روزهای ماتم و نوحه گری برای موسی سپری گشت. (عهد عتیق، سفر تثیبه باب ۳۴، عبارات ۸۷)

۴- مسیحیان

مسیحیان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام را به صلیب کشیدند و به دست و پای ایشان میخ کوبیدند. برخی از گروه های آنان از جمله جامعه کاتولیک فیلیپین در روزی که معتقدند این اتفاق رخ داده است گرد هم جمع می شوند و به عزاداری می پردازند. آنها بخشی از شکنجه هایی که معتقدند حضرت عیسی علیه السلام متحمل شدند را برای خود بازسازی می کنند .

پروفسور فرانکو امتو شرق شناس ایتالیایی درباره عزاداری برای عیسی مسیح علیه السلام می گوید: در اروپای قرون وسطی دسته شلاق زنان مسیحی رواج داشته است. آنها لباسی از گونی می پوشیدند و با شلاق خودزنی می کردند. هنوز در بعضی از استانهای ایتالیا جنوبی و در اسپانیا انجمنهایی از شلاق زنان وجود دارد که اعضای آن با شلاق چرمی یا با چند دسته نی خود را می‌زنند. به خصوص در هفته مقدس - هفته ای که در آن از آزار و مرگ حضرت عیسی یاد می‌کنند - اعضای آن انجمنها لباده‌های سفید بلند بر تن می‌کنند که پشت آن باز است تا

شلاق به پوست بدن اصابت کند. این سنت‌ها در مسیحیت به تازیه خوردن حضرت عیسی علیه السلام برمی‌گردد. ضمن اجرای مراسم شلاق زنی اشعاری به زبان لاتین خوانده می‌شد. از همه مشهورتر شعری بود که هنوز در کلیسا خوانده می‌شود و بیانگر غم و غصه مریم، مادر عیسی، است. البته اینگونه عزاداری‌ها در مسیحیت تقریباً از بین رفته است و فقط در بعضی مناطق ایتالیا و اسپانیا هنوز برقرار است، ولی فاقد محتوای کهن خود است و صرفاً صورت ظاهر آن حفظ شده است.

به تصریح اکید قرآن کریم و کلام معصومین علیهم السلام و شواهد گوناگونی از مستندات قدیمی مسیحیت بر دشمنان حضرت عیسی علیه السلام که عزم قتل آن حضرت را داشتند امر مشتبه گشت و آنها هرگز دستشان به آن حضرت نرسید و نتوانستند کوچکترین آسیبی به ایشان برسانند. اما تصور ظلم‌ها و شکنجه‌هایی که مسیحیان فکر می‌کنند بر آن حضرت وارد شده است اینچنین آنان را در طول تاریخ بی‌تاب و عزادار محبوبشان کرده است. اینک اگر مسیحیان دریابند که محبوب محبوبشان یعنی امام حسین علیه السلام -فرزند اشرف مخلوقات حضرت مجدّ مصطفی صلی الله علیه و آله - چگونه ظالمانه به همراه هجده تن از بنی هاشم که در تاریخ بی‌همانند بوده‌اند، به همراه اصحابی بی‌نظیر، به همراه طفل شیرخوارشان ... پس از تحمل مصائبی جانگداز، عطشان به شهادت رسیدند و چگونه زنان و فرزندانشان، زینب کبری سلام الله علیها و آن دختر سه ساله، ... بی‌رحمانه به اسارت کشیده شدند و ... چه خواهند کرد؟!!!!

امام حسین علیه السلام هم اوست که حضرت عیسی علیه السلام حتی قرن‌ها پیش از میلادش بارها بر مظلومیتش گریست و اینک نیز در انتظار آخرین فرزند معصوم حسین علیه السلام اشک می‌ریزد تا با او همراه گردد و انتقام خون انبیاء و اوصیاء علیهم السلام را بگیرند. پیروان حقیقی انبیاء علیهم السلام در طول تاریخ همیشه در سوگ از دست دادن انبیاء و اوصیاء علیهم السلام و در فراق منجی موعود گریسته‌اند.

چنین است که هنوز عباراتی در اناجیل در مدح این سوگواری‌ها و بشارت به روزی که سرانجام با ظهور منجی موعود لبخند بر لبها بازگردد باقی ست:

خوشا به حال ماتمیان زیرا ایشان تسلی خواهند یافت (انجیل متی، فصل ۵ عبارت ۴)

...خوشا به حال شما که الحال گریانید زیرا خواهید خندید (انجیل لوقا، فصل ۶ عبارت ۲۱)

همچنین در اناجیل در بیان وقایع هنگام فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام بر روی زمین آمده است:

آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و

پسر انسان را بیند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید. (انجیل متی، فصل ۲۴، عبارت ۳۰)

۵- عزاداری برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در کتب سنی آمده است:

بعد از دفن شدند پیامبر اکرم [صلی الله علیه و آله] اصحاب در حالت غم و اندوه خاک بر سر خود می ریختند و برای دوری از محبوبشان اشک می ریختند. خصوصاً فاطمه [سلام الله علیها] غیرقابل تسلی بود. به چهره های دو پسرش حسن و حسین [علیهما السلام] می نگریست و بر آنها و بر خویش می گریست. عایشه هم مداوماً ناله می کرد و گریست. چندین شب و روز صدای گریه و عزاداری از این خانه بلند شد تا خانه اندوه شد. (مدارج النبوة ج ۲ ص ۷۵۳ و ۷۵۴)

فصل چهارم

عزاداری در سنت نبوی در کتب سنی

در سنت و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوگواری برای از دنیا رفتگان و گریستن برای مصیبت عزیزان و زیارت قبور وجود داشته است. در اینجا فقط به ذکر سه نمونه که در کتب سنی هم نقل شده است اکتفا می کنیم:

۱- عزاداری برای حضرت حمزه علیه السلام عموی پیامبر

حضرت حمزه علیه السلام عموی پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد به دست مشرکان شهید شدند. هند همسر ابوسفیان و مادر معاویه لعنت الله علیهم دستور داد پیکر آن حضرت را بشکافند و جگر ایشان را خارج کنند تا او به دندان بجود. درباره سوگواری بر حضرت حمزه سلام الله علیه آمده است:

رسول خدا ﷺ از کنار خانه‌هایی از انصار (بنی عبد الأشهل و بنی ظفر) عبور می‌کردند که صدای بکاء و نوحه بر کشته‌گان خودشان را شنیدند. چشمان رسول خدا ﷺ پر از اشک شد و فرمود: عمویم حمزه گریه کن ندارد. و چون سعد بن معاذ و أسید بن حضیر به خانه‌های بنی عبد الأشهل بازگشتند زنانشان را امر کردند تا غم و اندوه خود را در سینه‌ها حبس کنند و ابتدا برای عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عزاداری کنند. (تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۰ - السیره النبویه لابن هشام، ج ۳، ص ۶۱۳ - الثقات، ج ۱، ص ۲۳۴ - البدایه والنهایه، ج ۴، ص ۵۴ و ۵۵)

هیچ زنی از انصار بعد از شنیدن فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله که عمویم حمزه گریه کن ندارد، بر مرده ای گریه نمی‌کرد، مگر این‌که اول برای حمزه عزاداری می‌کرد. (مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۱۲۶)

۲- سنت زیارت قبور شهدا

ابوهزیره نقل می کند که پیامبر اکرم [صلی الله علیه و آله] قبور شهدا [ی احد] را هر ساله زیارت می کردند. پیامبر وقتی به کوه احد می رسیدند خطاب به شهدا می فرمودند: السلام علیکم بماصبرتم. پس از پیامبر ابوبکر هم این کار را می کرد و پس از او عمر و پس از او عثمان هم چنین می کردند. (البدایه والنهایه، ابن کثیر ج ۴ ص ۴۵ چاپ بیروت)

۳- گریه برای ابراهیم پسر پیامبر

ابراهیم، پسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در ۱۸ ماهگی از دنیا رفت. آن حضرت در مرگ فرزند خردسالشان گریان بودند که عبد الرحمان بن عوف از گریه حضرت تعجب کرد و عرض کرد: آیا شما هم در مرگ فرزند گریه می‌کنید؟

حضرت فرمودند:

یا ابن عوف، اِنَّهَا رَحْمَةٌ. ای پسر عوف، همانا آن رحمت است. چشم گریه می‌کند، و دل غمگین و محزون می‌شود، و سخنی نمی‌گوییم مگر آنچه که خدا را راضی کند، ای ابراهیم ما در فراق تو محزون و غمگین هستیم. (صحیح بخاری، ج ۲، ص ۸۵، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۰۸، کتاب الفضائل، باب رحمته بالصبيان - العقد الفريد، ج ۳، ص ۱۹، کتاب التعزیه - سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۶، ش ۱۵۸۹، باب ما جاء في البكاء علي الميت - مصنف عبد الرزاق، ج ۳، ص ۵۵۲، ش ۶۶۷۲، باب الصبر والبكاء والنياحه)
در جای دیگر آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر سینه خود هم می زدند. (صحیح بخاری ج ۲ ص ۵۰؛ سنن نسائی ج ۳ ص ۳۰۵؛ صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۹۱ و...)

فصل پنجم

انبیاء و اوصیاء علیهم السّلام

در سوک امام حسین علیه السّلام

در آغاز این مقاله اشاره کردیم که قدمت سنت عزاداری و گریستن برای مصائب سیدالشهداء ابا عبدالله الحسین علیه السلام به قدمت تاریخ خلقت است تا آنجا که همه انبیاء علیهم السلام حتی پیش از تولد امام حسین علیه السلام با گریه بر ایشان و لعن قاتلان نشان رفعت مقام خویش را در درگاه الهی سبب شده اند و پیروان خود را نیز به این مهم امر نموده اند. (بحار الانوار ج ۴۴ باب ۳۰؛ کامل الزیارات ص ۶۷ باب ۲۱)

در اینجا به ذکر چند نمونه می پردازیم :

۱- گریه حضرت آدم و جبرئیل علیهما السلام برای خامس آل عبا

حضرت آدم علیه السلام نامهای مبارك پیغمبر اسلام و امامان علیهم السلام را در ساق عرش دید! جبرئیل به آن حضرت تعلیم داد که بگوید :

یا حمید بحق مجدّ، یا عالی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمه، یا محسن بحق الحسن و الحسین و منك الاحسان.

حضرت آدم علیه السلام هنگامی که نام امام حسین علیه السلام را ذکر نمود اشکهایش جاری شد و قلب مبارکش شکست.

آنگاه به جبرئیل فرمود: چرا وقتی نام پنجمی ایشان را ذکر میکنم قلبم می شکند و اشکم جاری می شود!؟

جبرئیل گفت: این پسر تو دچار مصیبتی خواهد شد که مصائب دیگر در مقابل آن کوچک خواهند بود.

حضرت آدم فرمود: چه مصیبتی؟

جبرئیل گفت: حسین علیه السلام در حالی شهید می شود که عطشان، غریب، تنها، بی یاور و بی معین است. ای آدم! اگر تو او را می دیدی می شنیدی که می گفت: وا عطشاه! وا قلة ناصراه!

کار تشنگی آن حضرت به جایی می رسد که آسمان به نظرش مثل دود خواهد آمد. کسی جوابش را نمی گوید مگر با شمشیر... خیمه هایش را به یغما می برند، سر مبارك وی و یارانش را در شهرها می گردانند، زن و بچه هایش را به اسیری خواهند برد... سپس حضرت آدم و جبرئیل نظیر زن جوان مرده گریان شدند. (بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۴ ص ۲۴۵)

۲- گریه حضرت نوح علیه السلام بر سیدالشهداء علیه السلام و لعن قاتل ایشان

هنگامی که کشتی نوح بر روی آب به حرکت خود ادامه می داد در محلی طوفان بیشتر شد و

کشتی حرکات تندی پیدا کرد. حضرت نوح علیه السّلام از خداوند متعال درباره علت این ماجرا سؤال نمود. ندا رسید: روی زمین کربلا واقع شده آید. سپس جبرئیل ماجرای آن و شهادت حضرت اباعبدالله علیه السّلام و اسارت اهل و عیال آن حضرت را فرمود و داخل کشتی غرق ماتم و گریه و عزا شد و آن حضرت گریه کرد.

حضرت نوح علیه السّلام از جبرئیل پرسید: قاتل امام حسین علیه السّلام کیست؟ فرمود: همان کسی است که اهل هفت آسمان و هفت زمین او را لعنت می کنند. پس حضرت نوح چهار مرتبه قاتل امام حسین علیه السّلام را لعنت کرد، آنگاه کشتی حرکت نمود تا بر سر جودی استقرار یافت. (عوالم ج ۱۷، ص ۲۹؛ بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۴۳، منتخب طریحی ص ۵۰)

۳- حضرت ابراهیم علیه السّلام و داغداری جگرگوشه حبیب خدا

هنگامی که خداوند متعال به حضرت ابراهیم علیه السّلام دستور داد، آن گوسفندی را که برای آن حضرت نازل شده بود در عوض فرزندش اسماعیل علیه السّلام ذبح نماید حضرت ابراهیم علیه السّلام آرزو کرد که کاش پسرش اسماعیل علیه السّلام را به دست خویش ذبح می کرد و مأمور ذبح آن گوسفند نمی شد تا مصیبت آن پدری به قلبش برسد که عزیزترین فرزندانش را ذبح می کند تا با این کار مستوجب بالاترین درجات ثواب مصیبت زدگان شود.

خداوند عز وجل به حضرت ابراهیم علیه السّلام وحی کرد: یا ابراهیم! محبوبترین خلق من نزد تو کیست؟

گفت: پروردگارا! خلقی را نیافریدی که از حبیب تو حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نزد من عزیزتر باشد.

خطاب شد: آیا محمد نزد تو محبوبتر است یا خودت

گفت: بلکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله نزد من از خودم محبوبتر است.

خطاب رسید: فرزند حضرت محمد صلی الله علیه و آله نزد تو محبوبتر است یا فرزند خودت؟

گفت: بلکه فرزند آن حضرت نزد من محبوبتر است.

خطاب آمد: ذبح شدن فرزند او از راه ظلم به دست دشمنانش برای قلب تو دردناکتر است یا ذبح فرزند خودت که وی را به دست خود در طاعت من قربانی کنی؟

گفت: پروردگارا ذبح فرزند آن حضرت که به دست دشمنانش انجام گیرد برای قلب من دردناکتر است.

خطاب شد: یا ابراهیم! گروهی که گمان می کنند از امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستند پسرش حسین علیه السّلام را بعد از آن حضرت به ظلم و دشمنی می کشند همانگونه

که گوسفند را سر می برند. آنان برای این جنایت مستوجب خشم من خواهند شد. حضرت ابراهیم علیه السلام با شنیدن این سخن بی تاب شد و قلبش به درد آمد و شروع به گریه کرد.

پس به او وحی شد: یا ابراهیم! این جزع و ناراحتی تو را که برای امام حسین علیه السلام کردی در عوض جزع و ناراحتی ات بر پسرت اسماعیل در صورتی که او را ذبح می کردی قرار می دهم و بالاترین درجات اهل ثواب در مصیبت را به تو عطا می نمایم. این معنای قول خدای سبحان است در آیه 107 سوره صافات که می فرماید "وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ" (بحار الأنوار، ج ۴۴ ص ۲۲۵)

۴- حضرت اسماعیل علیه السلام و لعن قاتلان ابا عبدالله علیه السلام

حضرت اسماعیل علیه السلام گوسفندان خود را بر لب فرات می چرانید. چوپان آن حضرت به او خبر داد: از فلان موقع به بعد این گوسفندان از این شریعه آب نمی آشامند! حضرت اسماعیل علیه السلام از پروردگارش سبب این موضوع را جویا شد. جبرئیل نازل گردید و گفت: یا اسماعیل! این موضوع را از گوسفندان جویا شو! علت این مطلب را برای تو خواهند گفت.

وقتی آن بزرگوار به گوسفندان فرمود: چرا از این آب نمی آشامید؟! به زبان فصیح گفتند: به ما این طور رسیده که فرزند تو که سبط حضرت محمد صلی الله علیه و آله است در اینجا با لب تشنه کشته خواهد شد، لذا ما به علت غم و اندوهی که برای آن بزرگوار داریم از این شریعه آب نمی آشامیم.

حضرت اسماعیل علیه السلام از قاتل امام حسین علیه السلام جویا شد. گوسفندان گفتند: همان کسی است که اهل آسمانها و زمین و عموم خلایق او را لعنت می کنند. حضرت اسماعیل علیه السلام هم گفت: پروردگارا! قاتل امام حسین علیه السلام را لعنت کن! (بحار الأنوار، ج ۴۴ ص ۲۴۳)

۵- حضرت موسی علیه السلام و عزاداری ابا عبدالله الحسین علیه السلام

یک روز حضرت موسی و یوشع بن نون علیهما السلام در عبور بودند. وقتی به زمین کربلا عبور کردند نعلین حضرت موسی و بند آن پاره شد و خار به پاهای مبارك آن حضرت رفت و خون جاری شد. حضرت موسی علیه السلام گفت: پروردگارا! چه چیزی از من صادر شده است؟ خطاب آمد: چون حسین بن علی علیهما السلام در اینجا شهید و خون مبارکش ریخته خواهد شد لذا خون تو در اینجا جاری شد که با خون او موافقت کرده باشد.

موسی علیه السّلام گفت: بار خدایا! این حسین علیه السّلام کیست؟
خطاب شد: سبط مجّد مصطفی صلی الله علیه و آله و پسر علی مرتضی علیه السّلام می
باشد.

گفت: قاتل او کیست؟

در جوابش گفته شد: او همان کسی است که ماهیان دریا و وحوش صحراء و پرندگان هوا وی را
لعنت می نمایند حضرت موسی دستهای خود را بلند نمود و یزید را لعنت و نفرین کرده یوشع بن
نون هم آمین گفت، آنگاه رفتند. (بحار الانوار، ج ۴۴ ص ۳۴۴)

در حدیثی دیگر که در آن خداوند شرح ماجرای کربلا را برای حضرت موسی علیه السّلام می
فرماید چنین آمده است:

...اسب امام حسین علیه السّلام پس از شهادت آن حضرت رم و همه می کند و فریاد می زند
و می گوید:

"الظلیمة الظلیمة من امة قتلت ابن بنت نبیها"

فریاد از ظلم و ستم امتی که پسر دختر پیغمبر خود را کشتند.

سپس بدن حسین علیه السّلام بدون غسل و کفن روی خاکها خواهد ماند، اموال او را به یغما
می برند، زنان وی را در شهرها به اسیری می برند، یاوران او را به قتل می رسانند، سر آنان را
با سر حسین علیه السّلام بر فراز نیزه‌ها بلند خواهند کرد.

ای موسی! تشنگی کوچک ایشان را می کشد. پوست بدن بزرگ آنان درهم کشیده می‌شود.
استغاثه می کنند ولی فریادرسی نخواهد بود، پناهنده می شوند ولی پناهگاهی نخواهند
داشت.

سپس حضرت موسی گریان شد و گفت: پروردگارا! عذاب قاتلان حسین علیه السّلام چگونه
خواهد بود؟

خطاب آمد: ای موسی! عذاب آنان به قدری شدید است که اهل جهنّم از آن به آتش جهنّم
پناهنده خواهند شد. رحمت من و شفاعت جدّ حسین علیه السّلام نصیب ایشان نخواهد شد!
اگر برای خاطر او نبود زمین قاتلان وی را فرو می برد.

حضرت موسی علیه السّلام گفت: بار خدایا! من از ایشان و کسی که به جنایت ایشان راضی
باشد بیزارم.

خدای سبحان فرمود: یا موسی! من رحمت خود را برای پیروان حسین علیه السّلام از بندگانم

واجب نموده ام. بدان، کسی که برای حسین علیه السلام گریان شود، یا دیگران را بگریاند یا خود را شبیه به گریه کنندگان نماید جسدش را به آتش جهنم حرام می‌نمایم. (بحار الأنوار، ج ۴۴ ص ۳۰۸)

۶- حضرت زکریا علیه السلام و گریه و مرثیه خوانی برای قتیل العبرات ابا عبدالحسین علیه السلام

حضرت زکریا علیه السلام هرگاه اسامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی مرتضی و فاطمه زهرا و امام مجتبی علیهم السلام را می برد غمش برطرف می شد ولی هرگاه نام حسین بن علی علیه السلام را می برد گریه بر او عارض می شد. از خداوند علت آن را پرسید. خداوند او را از ماجرای سیدالشهداء علیه السلام آگاه کرد.

هنگامی که حضرت زکریا این جریان را شنید مدت سه روز از مسجد خویشتن خارج نشد و در آن مدت اجازه ورود به احدی نداد. آنگاه مشغول گریه و زاری شد و برای امام حسین علیه السلام مرثیه می خواند و می گفت:

إِلَهِي أَتَفَجَّعُ خَيْرَ حَمِيْعٍ خَلَقَكَ يَوْلَدِهِ -إِلَهِي أَتُنْزِلُ بَلْوَى هَذِهِ الرَّزِيَّةِ يَفِنَائِهِ -إِلَهِي أَتُلِيْسُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ ثِيَابَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ -إِلَهِي أَتَحِلُّ كُرْبَةَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ -بِسَاحَتَيْهِمَا

پروردگارا! آیا بهترین خلق خود (یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله) را دچار مصیبت فرزندش می کنی؟ بار خدایا! آیا یک چنین بلائی را بر در خانه آن حضرت پیاده خواهی کرد؟ پروردگارا! آیا لباس یک چنین مصیبتی را به علی و زهراء علیهما السلام می پوشانی؟ بار خدایا! آیا چنین مصیبتی را نصیب آنان خواهی کرد؟

سپس دعاء کرد و گفت: پروردگارا! پسری به من عطا کن که در این زمان پیری چشم من به وی روشن شود. موقعی که این پسر را به من عطا کردی مرا شیفته محبت وی بگردان، سپس مرا دچار مصیبت او بکن همچنان که حضرت محمد صلی الله علیه و آله -حبیب خود- را دچار مصیبت فرزند خواهی کرد!

آنگاه خداوند حضرت یحیی علیه السلام را به زکریا علیه السلام عطا کرد و او را دچار مصیبت وی نمود. (بحار الأنوار، ج ۴۴ ص ۲۲۳)

۷- حضرت عیسی علیه السلام و گریه در زمین کربلا و لعن قاتلان امام حسین علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام با حواریون در بیابانها گردش می کردند. یک روز که عبور آنان به کربلا افتاد با شیری درنده مواجه شدند که سر راه را گرفته بود. حضرت عیسی علیه السلام نزد آن

شیر آمد و گفت: برای چه بر سر این راه نشسته‌ای و نمی‌گذاری ما عبور کنیم؟
آن شیر با زبان فصیح گفت: من نمی‌گذارم شما عبور کنید تا اینکه یزید را که قاتل حسین علیه
السّلام است لعنت نمائید!

حضرت عیسی علیه السّلام فرمود: این حسین علیه السّلام کیست؟
گفت: سبط مجدّد صلی الله علیه و آله است که نبی امّی می‌باشد و پسر علی ولی علیه
السّلام است.

گفت: قاتل حسین علیه السّلام کیست؟
گفت: قاتل وی همان کسی است که وحوش و مگس و درندگان او را مخصوصاً در روزهای
عاشورا لعنت می‌کنند.

حضرت عیسی علیه السّلام دستهای خود را بلند کرد و در حق یزید لعنت و نفرین نمود و حواریون
هم آمین گفتند. آنگاه آن شیر از سر راه ایشان دور شد و به دنبال کار خود رفتند. (بحار الأنوار،
ج ۴۴ ص ۳۴۴)

در روایتی دیگر آمده است آن حضرت همراه حواریون در عبور از کربلا گریستند. (بحارالانوار، ج ۴۴،
ص ۲۵۲)

در کتاب ارمیای نبی در عهد عتیق از مجموعه عهدین جمله ای باقی مانده است که تأمل برانگیز
است و با ظهور حضرت مهدی علیه السّلام بی گمان حقیقت مخفی نگاهداشته شده آن آشکار
خواهد شد:

... زیرا خداوند یهوه صباوت در زمین شمال نزد نهر فرات ذبحی دارد. (ارمیا، فصل ۴۶ شماره ۱۰)

حزن و گریه معصومین بر امام حسین علیه السّلام

همه معصومین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر
مصیبت امام حسین علیه السلام گریسته اند. تا آنجا که دیدار روی آن حضرت یا شنیدن نام
مبارکش یا هر آنچه یادآور مصائب آن حضرت بوده است سیلاب اشک از دیدگان مبارکشان جاری
نموده است و از آن به عنوان بزرگترین مصیبت اهل بیت یاد کرده اند. در ادامه به چند نمونه از آنها
اشاره می‌شود:

حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز ولادت امام حسین علیه السلام بعد از قرائت اذان در
گوش راست و اقامه در گوش چپ آن حضرت فرزند را در دامنشان نهادند و گریستند. (بحار الانوار،

ج ۴۲ ص ۲۳۸؛ ج ۱۸ ص ۱۲۵؛ ج ۴۴ ص ۲۵۰ و ۲۵۱)

یکی از گریه های رسول خدا زمانی بود که جبرئیل خاک سرخی را خدمت حضرت آورد و گفت: حسین علیه السلام در این زمین به شهادت می رسد. اشرف مخلوقات گریه کرد. جبرئیل آن حضرت را تسلی داد و عرض کرد خداوند متعال به زودی بوسیله قائم شما اهل بیت انتقام او را خواهد گرفت. (بحارالانوار، ج ۳۶ ص ۳۴۹؛ الدعوة الحسینیة ص ۹۶؛ از کفایة الطالب کنجی و ذخائر العقبی ص ۱۴۷)

روایات درباره گریه های رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ظلمی که بر اهل بیت آن حضرت بعد از ایشان می شود و هر کدام به طریقی به شهادت می رسند فراوان است که ما در این سایت به تعدادی از آنها اشاره کرده ایم. در این خصوص می توانید مقاله "[اشک های رسول خدا...](#)" را نیز مطالعه بفرمائید.

در جایی دیگر ضمن روایتی طولانی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند:

گویا او [امام حسین علیه السلام] و قتلگاه و مدفن او را در آن زمین می بینم. گویا می بینم زن و بچه وی را اسیر و بر شتران سوار کرده و سر پسر حسین را برای یزید لعنة الله علیه می برند! **به خدا قسم احدی نیست که بر سر حسین نظر کند و خوشحال شود مگر اینکه خدا بین قلب و زبانش مخالفت می نماید و او را دچار عذاب دردناکی خواهد کرد...**

در جایی دیگر آن حضرت دست راست خود را بر سر امام حسن و دست چپ خویش را بر سر امام حسین نهادند و فرمودند: پروردگارا! همانا محمد عبد و رسول تو ست و این دو نیکوترین عترت و بهترین اصل و ریشه و بافضیلت ترین فرزندان من و آن کسی هستند که من ایشان را در میان امتم بجای میگذارم. جبرئیل به من خبر داده که این پسر [امام حسن علیه السلام] به زهر کشته می شود و دیگری شهید و به خون خویشتن غلطان خواهد شد! بار خدایا! این شهادت را برای او مبارک بگردان! او را از سروران شهیدان قرار بده! پروردگارا! این عمل را برای قاتل او و کسی که وی را واگذار نماید مبارک مگردان و او را دچار حرارت آتش خود نما و وی را در پائین ترین طبقات دوزخ خود محشور بدار!

پس از آن مردم شروع به گریه و زاری نمودند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمودند: ای مردم! آیا برای او گریه می کنید و او را یاری نمی کنید.

پروردگارا! تو سرپرست و یاری کننده او باش!

سپس فرمودند:

ای قوم من! من دو چیز بزرگ را در میان شما به امانت می گذارم:

یکی کتاب الله [قرآن کریم] و دیگری عترت و اصل و ریشه و میوه دل و روح قلبم که هرگز از يك دیگر جدا نمی‌شوند تا نزد حوض کوثر بر من وارد شوند. آگاه باشید من در این باره چیزی از شما نمی‌خواهم جز آنچه پروردگارم فرموده از شما بخواهم. من از شما می‌خواهم که مؤدت* قربی [اهل بیت] را داشته باشید! (آیه ۲۲ سوره شوری ۴۲) بر حذر باشید از اینکه فردا [ی قیامت] در حالی مرا کنار حوض [کوثر] ملاقات نمائید که عترت مرا اذیت کرده باشید و اهل بیت مرا کشته باشید و به آنها ظلم کرده باشید...! (بحار الأنوار، ج ۴۴ ص ۲۴۸)

*مؤدت از ریشه وُدّ است. ذیل این کلمه در ترجمه مفردات می‌خوانیم:

وُدّ با ضمه حرف اول محبت به چیزست، و آرزو داشتن نسبت به آن و یا هر دو معنی در این واژه بکار میرود زیرا تمنی که آرزو داشتن و دریافت چیزی نمودن است یا متضمن و در بر گیرنده معنی دوستی است (زیرا دوستی از سه مرحله نیاز، شناخت و سپس عشق و محبت میگذرد) و معنی خواستن و تمایل شدید رسیدن و بدست آوردن چیزست که دوستش دارند.

پیشتر اشاره شد که روایات مربوط به عزاداری و گریستن خصوصاً گریه و عزاداری برای اباعبدالله الحسین علیه السلام اختصاص به کتب شیعه ندارد و در کتب سنی هم فراوان یافته می‌شود. ما به برخی از این روایات موجود در کتب سنی اشاره کردیم.

یکی از دلایلی که ما اسناد سنی را ارائه می‌دهیم اینست که معمولاً علمای سنی این اسناد را از نظر مردمان پنهان می‌دارند و با مغلطه به شیعه در این مورد ایراد می‌گیرند. در این جا به نقل ماجرای می‌پردازیم از زبان ام سلمه همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که هم در کتب شیعه و هم کتب سنی از جمله مسند احمد بن حنبل، صوائق المحرقه، مشکاة المصابیح، صحیح(سنن) ترمذی و ... آمده است:

ام سلمه نقل کرده است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیات خود خاک سرخ رنگی به من دادند و فرمودند این خاک از سرزمینی است که حسین در آنجا کشته می‌شود. هرگاه این خاک به خون مبدل گردید بدان که حسین علیه السلام به قتل رسیده است. در بعدازظهر دهم محرم من خواب بودم و در خواب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را آشفته و خاک آلود دیدم در حالیکه شیشه ای پر از خون در دست داشتند و فرمودند: این خون حسین و اصحاب حسین علیه السلام است که من امروز از صبح تا کنون مشغول جمع آوری آن بودم. از خواب برخاستم و با عجله سراغ شیشه ای رفتم که محتوی خاک کربلا بود و آن را پر از خون یافتم و گریستم و اهل خود را صدا کردم و همه با هم به عزاداری برای حسین علیه السلام پرداختیم.

حضرت علی علیه السّلام و حضرت زهرا سلام الله علیها نیز در روز ولادت امام حسین علیه السّلام و پس از آن بارها و بارها هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر شهادت امام حسین علیه السّلام را بیان می فرمودند و نیز در موقعیت های گوناگون با یادآوری مصائبی که بر فرزند دلبندهشان پس از ایشان رخ خواهد داد بر امام حسین علیه السّلام می گریستند. از آن جمله نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السّلام زمانی که از صفین باز می گشتند و به کربلا رسیدند شروع به گریستن کردند. راوی می گوید: آنقدر گریستند که اشک به سینه مبارکشان جاری شد و ما نیز با آن حضرت گریستیم و ماجرای کربلا را فرمودند و محل شهادت حضرت اباعبدالله علیه السّلام را نشان دادند. (سند شیعی: بحار ج ۴۴ ص ۲۵۲؛ سند سنی: کنز العمال ج ۷ ص ۱۰۶)

در صفین هنگامی که حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السّلام آب را باز کردند و مسلمین از تشنگی نجات یافتند حضرت امیر علیه السّلام بر آن حضرت گریستند و سپس ماجرای کربلا و اسب آن حضرت را بیان فرمودند. (بحارالانوار، ج ۴۴ ص ۲۶۶)

نقل شده است هنگامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فاطمه اطهر سلام الله علیها را از شهادت فرزندشان حسین علیه السّلام و آن مصائبی که بر آن حضرت وارد می شود آگاه نمودند آن بانو گریه شدیدی کردند. سپس از زمان وقوع این مصیبت پرسیدند. حضرت در پاسخ فرمودند این اتفاق زمانی رخ خواهد داد که آن حضرت و حضرت علی و حضرت زهرا علیهم السّلام در این دنیا نیستند. با شنیدن این سخن گریه حضرت زهراء سلام الله علیها شدیدتر شد و فرمودند: **پدر جان! پس چه کسی برای حسینم گریه خواهد کرد و چه کسی ملتزم و پایبند اقامه عزا برای او خواهد بود؟!**

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمودند که زنان و مردان امت ایشان بر زنان و مردان اهل بیت ایشان گریه خواهند کرد و همه ساله هر گروهی پس از دیگری عزاداری را تجدید می نمایند.

سپس خطاب به حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: **هنگامی که روز قیامت فرا رسد تو زنان امت من و من مردان آنان را شفاعت خواهیم کرد. هر یکی از ایشان که در مصیبت حسین علیه السّلام گریه کند ما دست او را می گیریم و داخل بهشت می نمائیم. ای فاطمه همه چشمها در روز قیامت گریان خواهند بود مگر چشمی که بر مصیبت های حسین علیه السّلام گریسته است که خندان و مورد بشارت به نعمت های بهشتی خواهد بود. (بحار الأنوار، ج ۴۴ ص ۲۹۲)**

روایت شده است روزی امام حسین علیه السلام به محضر امام حسن علیه السلام رسیدند. هنگامی که به ایشان نظر کردند گریستند. امام حسن علیه السلام فرمودند: **یا ابا عبدالله چه چیز شما را به گریه می اندازد؟**

حضرت سیدالشهداء فرمودند: **به خاطر آنچه برای شما اتفاق می افتد گریه می کنم.** امام حسن علیه السلام فرمودند: **آنچه برای من پیش می آید سمّی ست که با نیرنگ برایم فرستاده می شود که با آن کشته می شوم.** اما ای **اباعبدالله هیچ روزی مانند روز تو نیست.** سی هزار نفر [برای جنگ] بر گرد تو جمع می شوند در حالی که ادعا می کنند که از امت جد ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم و [در ظاهر] پیرو دین اسلام هستند. با این وجود برای قتل تو و ریختن خونت و هتک حرمتت و اسارت زن و فرزندان و سرقت اموالت هم پیمان می شوند. پس در آن هنگام است که لعنت[خدا] گریبان گیر بنی امیه می شود و آسمان خون و خاکستر می بارد و **همه چیز بر تو می گریند حتی حیوانات وحشی در بیابان ها و ماهیان در دریاها.** و در روایتی یکدیگر را در آغوش گرفتند و گریستند. (بحار الانوار، ج ۴۵ ص ۲۱۸ ح ۴۴ به نقل از امالی شیخ صدوق ۱۱۵ ح ۳؛ خصائص الحسینیة ص ۱۹۱)

اما آقا اباعبدالله علیه السلام نیز در روز عاشورا علاوه بر سخنرانی هایی که با صلابت در مقابل لشکر دشمن کردند تا شاید اندکی دل‌های سخت آنان را نرم کنند و آنان را از آلوده ساختن دست خود به کشتن سبط رسول خدا صلی الله علیه و آله و شقاوت ابدی نجات دهند و علاوه بر جنگاوری های دلیرانه خود و یارانشان در میدان جنگ، بارها و بارها در موقعیت های مختلف در زمین کربلا گریستند؛ آن حضرت در کنار پیکر تکه تکه شده جوان برومند خویش علی اکبر سلام الله علیه گریستند و فرمودند: خدا بکشد قومی را که تو را کشتند...؛ هنگامی که بر سر پیکر ابوالفضل عباس سلام الله علیه حاضر شدند و آن جناب را با آن وضع دلخراش و دستهای بریده و فرق شکافته و چشمان تیر خورده دیدند به شدت گریستند و فرمودند: اکنون کمرم شکست و تدبیرم گسسته شد...؛ هنگامی که برای آوردن پیکر قاسم بن الحسن علیهما السلام به میدان رفتند و پس از جنگی سخت با قاتلان او بدن مبارکش را غرق خون و لگد مال سم ستوران یافتند گریستند و فرمودند: بر عمویت دشوار است که او را بخوانی و نتواند تو را اجابت کند یا اجابت کند آنگاه که دیگر فایده نداشته باشد به خدا قسم امروز روزی ست که دشمنان عمویت زیاد و یارانش اندک هستند؛ هنگامی که تیر سه شعبه گلوی نازک علی اصغر شش ماه را در آغوش پدر درید اشک از دیدگان مبارک آن حضرت جاری شد. آن حضرت دست خود را از خون فرزند دلبندها پر کردند و آن را به آسمان پاشیدند و فرمودند: الهی تو خود حکم فرما بین ما و مردمی

که ما را دعوت نمودند تا ما را یاری کنند و اکنون ما را می کشند؛ هنگام وداع با سکینه سلام الله علیها وقتی او دست و پای حضرت را بوسید او را در آغوش گرفتند و گریستند و با آستین مبارک اشک خود را پاک نمودند... آن زمان که در وداع آخر یکی از دختران اظهار داشت پدرجان ما را به مدینه جَدّمان برگردان! اشک از دیدگان حضرت جاری شد... و هنگام وداع با خواهرشان زینب سلام الله علیها پس از آن که آن بانوی گرامی حلقوم شریف آن حضرت را بوسیدند هردو بسیار گریستند و...

هنگامی که آن حضرت در برابر لشکر دشمن آمدند با صدای بلند فرمودند: وای بر شما از چه روی با من می جنگید؟ آیا حقی را ترک کرده ام؟ آیا سنتی را تغییر داده ام؟ آیا شریعتی را دگرگون ساخته ام؟ در پاسخ گفتند: **با تو می جنگیم به خاطر کینه و بغضی که با پدرت علی داریم.** پدرت بزرگان ما را در جنگ بدر و حنین کشت. در این هنگام امام علیه السلام سخت گریستند و اشعاری را قرائت فرمودند و به کشته های برادران و اصحاب نگریستند و ندا دادند: یا مسلم بن عقیل و یا هانی بن عروه و یا حبیب بن مظاهر... (معالی السبطين، ج ۲ ص ۱۹)

در شب عاشورا حضرت زینب سلام الله علیها خدمت برادر عزیزشان امام حسین علیه السلام آمدند. امام سر مبارکشانشان را بر زانو گذاشته بودند و لحظه ای به خواب رفته بودند که ناگهان صدای خواهرشان زینب را شنیدند که عرضه می داشت: این صداها چیست؟ لشکر نزدیک شده است!

امام علیه السلام فرمودند: هم اکنون پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم و ایشان به من فرمودند: تو نزد ما می آیی.

با شنیدن این سخن حضرت زینب سلام الله علیها به صورت زدند و صدا به گریه بلند نمودند. (سند سنن: البدایة و النهایة ج ۸ ص ۱۷۶، تاریخ طبری ج ۵ ص ۴۱۶ و سند شیعی: بحار ج ۴۴ ص ۳۹۱، ارشاد مفید ج ۲ ص ۸۹ و ۹۰)

روز عاشورا هاشمیات و بانوان حرم با دیدن ذوالجناح که با زین واژگون و یال غرقه به خون از مقتل بازگشته بود همه از خیمه ها بیرون آمدند و در حالی که بر سر و صورت می زدند و صدای گریه و ناله بلند کرده بودند به سوی قتلگاه شتافتند. (بحار الانوار، ج ۱۰۱ ص ۳۲۲)

حضرت رقیه سلام الله علیها بعد از شهادت پدر شب و روز گریه می کردند و سراغ پدر را می گرفتند تا سرانجام از شدت ناراحتی و گریه پس از درآغوش کشیدن سر مبارک آن حضرت جان

دادند...

هیچ یک از این گریه ها نه تنها با راضی بودن به رضای پروردگار منافاتی ندارد بلکه عین رضایت خداست چرا که نقل شده است- حتی در کتب سنی -که رضایت این خاندان رضایت خداست و خشمشان خشم خدا (برخی از اسناد شیعی: الإحتجاج علی أهل اللجاج ج ۲ ص ۲۵۴؛ إرشاد القلوب إلی الصواب ج ۲ ص ۲۳۲؛ کامل الزیارات، ص ۲۱۳؛ تفسیر قمی ذیل آیه ۵۷ سوره احزاب و... برخی اسناد سنی: المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷، ج ۴۷۳۰؛ کنز العُمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱، ج ۳۴۲۳۸؛ ذخائر العقبی، ص ۸۲ - ۸۳ و ...)

جناب سیدالشهداء علیه السلام نیز در آخرین لحظات زندگی شریفشان در حالی که پیکر مبارکشان غرق به خون بود سر بر خاک نهادند و با لبانی که از تشنگی خشک شده بود با پروردگار نجوا کردند:

"الهی رضاً برضاک صبراً علی قضائک..."

الهی راضی به رضای توام در برابر قضای تو صبر می کنم...

امام سجاد علیه السلام در تمام عمر شریفشان پس از واقعه عاشورا بر مصائب عاشورا گریستند.

امام باقر علیه السلام در روز عاشورا برای امام حسین مجلس عزا به پا کردن و بر مصائب آن حضرت گریستند.

امام صادق علیه السلام هرگاه یکی از اولاد امام حسین علیه السلام را می دیدند می گریستند و روایت شده است آن حضرت پس از نوشیدن آب سلام بر امام حسین دادند و بعد قاتل آن حضرت را لعن نمودند.

روایت شده است چون هلال ماه محرم فرا می رسید کسی امام موسی کاظم علیه السلام را خندان نمی دید و این حالت ایشان تا روز عاشورا ادامه داشت و در آن روز حزن و غم و ماتم و اشک و آه ایشان به اوج خود می رسید.

امام رضا علیه السّلام فرمودند:

همانا روز مصیبت امام حسین علیه السّلام پلک چشمان ما را مجروح نموده و اشک ما را جاری ساخته است. (نفس المهموم ص ۴۴؛ بحار ج ۴۴ ص ۲۸۴؛ امالی صدوق ص ۷۸)

از امام زمان علیه السّلام در زیارت ناحیه مقدسه نقل شده است که خطاب به اباعبدالله الحسین می فرمایند:

...هم اکنون هر صبح و شام بر شما اشک می ریزم و به جای اشک در مصیبت شما خون از دیده می بارم ... (زیارت ناحیه مقدسه، بحار ج ۱۰۱ ص ۳۲۰)

فصل ششم

گریه عالم خلقت برای

امام حسین علیه السلام

از حضرت علی علیه السّلام نقل شده است که فرمودند:
سوگند به خدایی که دانه ها را از زمین می شکافد و بیرون می آورد و موجودات را خلق می کند
همانا فرزندم حسین علیه السّلام را به قتل می رسانند و آسمان ها و زمین بر او گریه می
کنند. (تفسیر جامع ذیل آیه ۲۹ سوره دخان)

از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده است که فرمودند:
قاتل حضرت امام حسین و یحیی پیغمبر علیهما السّلام ولد زنا و حرام زاده بودند و آسمان تا
شش ماه بر حضرت حسین علیه السّلام گریست و قرمز بود. و قرمزی زمین و آسمان همان گریه
آن هاست. (برهان ج ۴، ص ۱۶۱ ج ۴)

در ذیل آیه 29 سوره مبارکه دخان در صحیح مسلم که از منابع سنی است آمده است که
هنگامی که حسین علیه السّلام کشته شد آسمان گریست و گریه آسمان سرخی آن است و
در تفسیر ثعلبی که از دیگر منابع سنی چنین آمده است: در روزهای قتل حسین [علیه
السّلام] بر ما خون بارید. (تفسیر قرطبی ج ۱۶ ص ۱۴۱، در المثنور سیوطی ج ۶ ص ۳۱، ینابیع الموده قندوزی
ص ۳۵۷)

از میثم تمّار نقل شده است که گفت امیر المؤمنین علی علیه السّلام به من خبر دادند که هر
چیزی برای مظلومیت حسین علیه السّلام گریه خواهد کرد، حتی وحوش در صحراها،
ماهیان در دریاها، پرندهگان در آسمان، آفتاب، ماه و ستارگان، آسمان و زمین و مؤمنین
انس و جن، جمیع ملائکه آسمانها و زمینها و رضوان، مالک و حاملین عرش؛ و آسمان
خون و خاکستر می بارد. (بحار الأنوار ج ۴۵ ص ۲۰۲)

و نیز در منابع سنی آمده است: ام سلمه رضی الله عنه گفت من شنیدم که جنیان برای حسین
علیه السّلام گریه و نوحه و عزاداری می کردند. (تاریخ کبیر بخاری، نویسنده صحیح بخاری) ج ۴ جز اول
ص ۲۶؛ فضائل الصحابة، احمد بن حنبل ج ۲ ص ۷۷۶ ج ۱۳۷۳؛ طبرانی ج ۳ ص ۱۳۰ و ۱۳۱؛ تاریخ الخلفاء، سیوطی،
ص ۱۶۶ و ...)

عبدالقادر جیلانی در کتابش با نام غنیة الطالبین آورده است: هفتاد هزار فرشته بر مزار حسین
[علیه السّلام] بعد از شهادتش آمدند و بر او می گریند و این گریه و ناله را تا روز قیامت ادامه

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: در آن شبی که امیر مؤمنان علیه السلام کشته شد هر سنگی را که از زمین بلند می‌کردند زیر آن خون تازه بود چنانچه در شبی که هارون برادر موسی علیه السلام کشته شد و شبی که در آن یوشع بن نون کشته شد و شبی که در آن حضرت عیسی بن مریم به آسمان رفت و شبی که در آن شمعون بن حمون صفا به قتل رسید چنین بود و همچنین شبی که در آن حسین بن علی علیهما السلام به قتل رسید زیر هر سنگی که برداشته می‌شد خون تازه دیده می‌شد. (کامل الزیارات؛ ص ۷۶)

فصل هفتم

قسمتی از فضائل گریه و اقامه عزای برای اهل بیت علیهم

السلام به خصوص حضرت سیدالشهدا علیه السلام

از امام صادق علیه السّلام روایت شده است که فرمودند:
تَقَسَّ شخص اندوهگین برای ستمی که بر ما رفته، تسبیح است و اندوه او برای ما، عبادت و ...
سپس فرمودند: بایسته است که این حدیث با طلا نوشته شود. (بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۷۸ به نقل از
امالی شیخ مفید ص ۲۳۸ ج ۳)

از امام رضا علیه السّلام نقل شده است که فرمودند:
هر که مصیبت ما را یاد کند و بگیرد بر آنچه بر ما رفته است روز قیامت با ما و در درجه ماست و
هر که مصیبت ما را یاد آورد و بگیرد و بگیراند روزی که دیده ها گریان است دیده اش گریان نشود
و هر که در مجلسی بنشیند که امر ما در آن زنده می شود روزی که دل ها می میرد دلش نمی
میرد. (بحار الانوار ج ۴۴، ص ۲۷۸ به نقل از امالی شیخ صدوق ص ۷۳ ج ۴)

از امام رضا علیه السّلام روایت شده است که فرمودند:
هرکس روز عاشورا تلاش برای خواسته هایش را رها کند، خدا حوائج دنیا و آخرتش را برآورد و
هرکس روز عاشورا روز مصیبت و حزن و گریه اش باشد خدای عزوجل روز قیامت را روز خرسندی
و شادی اش قرار می دهد و چشمش در بهشت به ما روشن می شود و هرکس روز عاشورا را
روز برکت بنامد و در آن روز برای خانه اش چیزی ذخیره کند در آن چه ذخیره کرده برکت نمی بیند
و روز قیامت همراه یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد که خداوند آن ها را لعنت کند در پایین
ترین طبقه آتش محشور خواهد شد. (امالی شیخ صدوق ص ۱۲۹ ج ۴)

از امام صادق علیه السّلام در ضمن حدیثی طولانی روایت شده است که فرمودند: و هرکس که
حسین علیه السّلام نزد او یاد شود و از چشمانش به مقدار بال مگسی اشک خارج گردد ثواب و
اجر او نزد خدای عزوجل است و برای وی به کمتر از بهشت راضی نمی شود. (کامل الزیارات
ص ۱۰۰ ج ۳)

در بخشی از گفتگویی طولانی که بین امام صادق علیه السّلام و یکی از محبّان آن حضرت واقع
شده است آمده است که آن حضرت از او می پرسند آیا به یاد مصیبت امام حسین علیه السّلام
می افتی؟ او پاسخ می دهد بله. امام می پرسند آیا از مصیبت آن حضرت ناراحت می شوی؟ او
پاسخ می دهد: آری، به خدا قسم به قدری حال گریه به من دست می دهد که اهل و عیالم اثر
آن را بر من مشاهده می کنند و من به نحوی از غذا خوردن بیزار می شوم که اثر آن در صورتم

معلوم می گردد.

حضرت صادق علیه السلام به او می فرمایند: خدا اشکهای تو را رحمت کند. آیا نه چنین است که تو در ردیف افرادی خواهی بود که برای مصیبت ما جزع می کنند و کسانی که برای شادی ما شاد می شوند و برای حزن ما محزون می شوند و برای خوف ما خائف می شوند و هنگام امنیت ما احساس ایمنی می کنند.

همانا تو به زودی در موقع مردن خود خواهی دید که پدرانم نزد تو حاضر می شوند و به ملك الموت در باره تو توصیه می نمایند و بشاراتی به تو خواهند داد که قبل از موت چشم تو روشن خواهد شد و ملك الموت در آن موقع از مادر مهربان به فرزند خود به تو مهربانتر خواهد بود.

... و هیچ شخصی از روی رحمت برای ما و آنچه بر ما رفته است گریه نمی کند مگر اینکه قبل از آنکه اشک از چشمانش خارج شود خدا او را مورد رحمت قرار می دهد و هنگامی که اشک وی به گونه‌هایش جاری شود اگر يك قطره از آن در آتش جهنم بچکد به نحوی حرارت آن را خاموش می کند که حرارتی نخواهد داشت.

کسی که دلش برای ما به درد آید روزی که ما را در هنگام مرگش ببیند خوشحال می شود و تا وقتی نزد حوض کوثر بر ما وارد شود آن خوشحالی در قلبش خواهد بود... (بحار الأنوار

ج ۴۴ ص ۲۹۰ و ۲۹۱)

باید توجه داشت که ارزش این اشک ها مربوط به شخص گریه کننده نیست بلکه این پیوند و نسبت این اشک ها با حضرت سیدالشهداء و ائمه معصومین علیهم السلام است که به آن اشک ها قیمت و ارزش می دهد پس جای تعجب نیست اگر یک قطره اشک برای اباعبدالله الحسین و اهل بیت علیهم السلام چنان بهره مند از خنکای رحمت پروردگار باشد که اگر بر آتش جهنم بچکد حرارت آن را خاموش کند.

ملا علی قاری سنّی در کتابش المرقّات فی شرح المشکاة از حدیثی به نقل از احمد بن حنبل می نویسد که حسین بن علی بن ابیطالب [علیهم السلام] فرمود: هرکس در بیاد آوردن درد و رنج من بگرید و ناله کند خداوند بهشت را به او عطا خواهد کرد. (به نقل از تاریخ احمدی ص ۲۷۷ چاپ

کنپور هند)

و فخر رازی سنّی می گوید هر کس با حبّ فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله بمیرد شهید محسوب می شود. (تفسیر کبیر ج ۷ ص ۳۹۰)

این همه اجر در برابر یک قطره اشک

برخی ارباب مقاتل برای توضیح و تشریح اخباری که در فضیلت گریه بر سید الشهداء علیه السلام آمده است به یکی از تشرفات جناب بحر العلوم رحمة الله علیه و ملاقات ایشان با حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده اند که خلاصه آن آنگونه که مشهور است اینست که جناب بحر العلوم زمانی که به سامره می رفتند در بین راه در این مورد که گریه بر امام حسین علیه السلام گناهان رامی آمرزد می اندیشیدند که سوار عربی را می بینند که از او می پرسد: جناب سید شما را متفکر می بینم. به چه می اندیشید؟ اگر مسئله ای علمی است بگوئید ... جناب بحر العلوم می گوید: در این خصوص می اندیشیدم که چگونه حقتعالی این همه ثواب به زائرین و گریه کنندگان حضرت سید الشهداء علیه السلام می دهد که در هر قدم که زائر برمی دارد ثواب یک حج و یک عمره در نامه عملش نوشته می شود و برای یک قطره اشک تمام گناهان صغیره و کبیره اش آمرزیده می شود.

آن سوار عرب فرمود: تعجب مکن. من برای شما مثلی می آورم تا مشکلت حل گردد. روزی سلطانی به شکار رفت و از همراهانش دور افتاد. وارد خیمه ای شد که در آن پیرزنی همراه پسرش زندگی می کردند و بزی داشتند که شیر آن را می دوشیدند و با آن گذران زندگی می کردند. آنها چون چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند آن بز را برای سلطان کشتند و به عنوان طعام حاضر کردند. آنها سلطان را نمی شناختند و این کار را برای بزرگداشت مهمان انجام دادند. سلطان شب را آنجا ماند و فردا ماجرا برای درباریان بازگو کرد که من در شکارگاه از غلامان دور افتادم و تشنه و گرسنه بودم و از شدت گرمی هوا وارد خیمه این پیر زن شدم. آنها مرا نمی شناختند و دارایی شان بزی بود که از آن گذران زندگی می کردند. آنها بز را کشتند و برای من کباب کردند. اینک در عوض کاری که کردند چه به آنها بدهم و چه کار کنم که محبت این زن و پسرش را تلافی کرده باشم؟

یکی گفت: صد گوسفند به او بدهید. دیگری که از وزراء بود گفت صد گوسفند و صد اشرفی به او بدهید. دیگری گفت فلان مزرعه را به ایشان بدهید.

سلطان فرمود: هر چه بدهم کم است چون اگر سلطنت و تاج و تخت را بدهم آن وقت مقابله به مثل کرده ام. چون آنها هر چه را که داشتند به من دادند منم باید هر چه را که دارم به ایشان بدهم تا مقابله به مثل شود.

اینک جناب بحر العلوم حضرت سید الشهداء علیه السلام هر چه داشت از مال و منال و اهل و عیال و پسر و برادر و دختر و خواهر و سر و پیکر همه را در راه خدا داد پس اگر خداوند به زائرین و

گریه کنندگان بر آن جناب آن همه اجر و ثواب بدهد نباید تعجب نمود. این را فرمود و از نظر سید
غائب شد. (العقبري الحسان، ج ۲، ص ۱۱۹)

فصل هشتم

پایان سخن

از آنجایی که انسان دارای بُعدی عاطفی و احساسی ست طبیعی ست که در فراق و فقدان عزیزانش یا در هنگام مواجهه با رنج و محنت آنها یا دیگر انسان های مظلوم اندوهگین شود و از شدت اندوه سینه اش تنگ شود و قلبش به درد آید و در نتیجه آن سرشک اشک از دیدگانش جاری شود. گریستن نشانه رحمت و رقت قلب است.

گریه در فقدان عزیزان در سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و انبیاء الهی علیهم السّلام وجود داشته است و اسناد آن در کتب شیعه و سنی فراوان است لیکن ما در این نوشتار کوشیدیم تا علاوه بر اسناد شیعی با ارائه اسنادی از کتب سنی و نیز کتب غیر اسلامی افراد غیرمطلعی را که تحت تأثیر تهمت های ناجوانمردانه و غیرمستند بدخواهان شیعه و دوستداران اهل بیت قرار می گیرند دوستانه آگاه سازیم.

برای نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای از دنیا رفتن پسر کوچکشان و برای حضرت حمزه سلام الله علیه عموی گرامیشان که در جنگ احد شهید شد و برای جعفر بن ابیطالب سلام الله علیهما که در جنگ موته شهید شد و بر سر مزار مادر گرامیشان حضرت آمنه سلام الله علیها گریستند. (اسناد سنی: صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۰۸؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۴۰؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۲۲؛ تاریخ ابن اثیر، ج ۲، ص ۹۰؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱، مسند احمد، ج ۲، ص ۴۴۱ و...)

و زمانی که عمر زنانی را که بر جنازه مرده شان می گریستند منع می کرد به او فرمودند: پسر خطاب! آنان را به حال خود واگذار که جانشان مصیبت دیده، چشمشان اشکبار و داغشان تازه است. (مسند احمد ج ۲ ص ۲۷۳ و ۴۰۸ و...)

البته باید در مصیبت ها شکیبایی پیشه کرد و راضی به رضای خداوند متعال بود و جزع و فزع و بی تابی نکرد تا اجری که خداوند مهربان در برابر صبر بر مصیبت به انسان عطا خواهد کرد محفوظ بماند.

اما گریه و عزاداری برای مصائب انبیاء و اوصیاء ایشان خاصاً پیامبر خاتم و ائمه معصومین علیهم السّلام علاوه بر آن که نشانه معرفت و محبت به آن ذوات مقدسه است از شعائر دین نیز محسوب می شود که هر مؤمنی موظف به حفظ و اقامه آن است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السّلام خلیفه خداوند و برگزیده او برای

هدایت بشر به سعادت ابدی هستند و ظلم به آنان ظلم به خداوند متعال است. در قرآن کریم آمده است:

"ان الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا و الآخرة و أعد لهم عذاباً مهيناً"

همانا کسانی که خدا و رسولش را می آزارند خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خوار کننده آماده کرده است. (سوره احزاب(۳۳)، آیه ۵۷)

روایات شیعی و سنی ذیل این آیه از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که ایشان تأکید فرمودند که هر که حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها را بیازارد آن حضرت را آزرده است.

روشن است که هیچ مخلوقی قادر نیست به خالق یکتا صدمه ای بزند و آزرده خداوند آزرده آن کسانی است که حبيب خداوند هستند یعنی مجّد و آل مجّد صلی الله علیهم اجمعین که خشمشان خشم خدا و خشنودی شان خشنودی خداوند است. آنان که رسولان و فرستادگان و برگزیدگان خداوند را می آزارند در دنیا و آخرت ملعونند.

ظلمی که بر انبیاء و اوصیای ایشان علیهم السلام شده است خصوصاً ظلمی که در حق بهترین آفریده های خداوند یعنی وجود نازنین پیامبر رحمت حضرت مجّد صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی ایشان یعنی حضرت علی علیه السلام که نفس پیامبر معرفی شده اند و دردانه ایشان حضرت زهرا سلام الله علیها و دو پاره قلب آن حضرت امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السلام و بقیه ائمه که فرزندان پیامبر اکرم و اوصیای گرامی آن حضرت هستند شده است هرگز نباید فراموش شود و باید در طول تاریخ مرتباً و مکرراً به مناسبت های مختلف بازگو شود تا حقیقت باقی بماند.

اما نباید فراموش کنیم ظلمی که بر امام حسین علیه السلام رفته است در طول تاریخ مانند نداشته است؛ مصیبتی که خداوند در حدیث قدسی زیارت عاشورا آن را اعظم مصائب خوانده است. آن حضرت جگرگوشه رسول خدا و پنجمین آل عبا بودند که به همراه هجده تن از بنی هاشم که مثل آنان در عالم خلقت وجود ندارد و به همراه اصحابی بی نظیر که اصحاب هیچ یک از امامان علیهم السلام با آنها همردیف نمی شوند در کربلا عطشان به شهادت رسیدند و چنان در حق ایشان و خانواده و فرزندان آن حضرت سنگدلی و بی رحمی شد که نه قلم را قدرت بیان است و نه دل را تاب شنیدن...

با نگاهی به روایات معصومین علیهم السّلام در می یابیم که گوهر ایمان به اشک بر سیدالشهداء علیه السّلام آفریده شده است و اینکه با ذکر نام آن حضرت دل شکسته و اشک جاری شود نشانه وجود ایمان است.

همچنین بیان روشن روایات وارده از ائمه معصومین علیهم السّلام بر این نکته تأکید دارند که **حزن و اندوه و گریه و اظهار جزع برای اباعبدالله الحسین علیه السّلام نه تنها عبادت است که با تارو بود نظام خلقت عجین شده است و سنت عزاداری و گریه بر سیدالشهداء علیه السّلام طویلاً و عرضاً نظام خلقت را فراگرفته است** یعنی در طول زمان از ابتدای تاریخ از زمان حضرت آدم ابوالبشر علیه السّلام تا هنگامه قیامت و در صحنه محشر که در آنجا هم روضه سیدالشهداء علیه السّلام برپا می شود و در عرض آفرینش که همه موجودات از زمین و آسمان گرفته تا ملائک و جنیان و پرندگان آسمان و ماهیان دریا و حیوانات صحرا و ... که همه بر امام حسین علیه السّلام گریستند و می گریند.

امام صادق علیه السّلام در زیارت اربعین می فرمایند که حضرت سیدالشهداء علیه السّلام خون قلبشان را در راه خداوند متعال نثار کردند تا بندگان خدا از نادانی و سرگردانی گمراهی رهایی یابند. در واقع آن حضرت با بذل همه داشته های خود و دادن خون قلب مبارکشان در راه خدا در برهوت دنیا و در تاریکی های تاریخ چراغ هدایت گشتند. به این ترتیب از سویی جانفشانی آن حضرت قلب های خفته را بیدار می کند و در مسیر هدایت قرار می دهد و از سوی دیگر گریه بر آن حضرت نور هدایت را تفضلاً هر چه بیشتر در قلب ها می تاباند.

شاید به همین دلیل است که مشهور است **اگرچه همه اهل بیت علیهم السّلام کشتی های نجات هستند، کشتی نجات ابا عبدالله الحسین علیه السّلام وسیع تر و سریع تر است؛ کشتی ای که بر قطرات اشک عزاداران آن حضرت روان است؛ قطرات اشکی که به فضل الهی می تواند انسان را به مرحله ای از عبودیت برساند که شاید صدها سالها عبادت بدانجا نرساند...**

علاوه بر دردناک و دلخراش بودن مصائبی که آن حضرت دیدند که خود برای آن کسی که هنوز قساوت قلبش را فرا نگرفته است کافی ست که تا قیام قیامت بر آن حضرت بگرید و ناله کند و ضجه بزند، مصیبت دیگر مصیبت اسارت دین خدا است که تا ظهور منتقم خون همه انبیاء و اوصیاء علیهم السّلام به خصوص منتقم خون اباعبدالله الحسین علیه السّلام و تا ظهور یگانه حقیقتی

که انبیاء و اوصیاء علیهم السّلام برای آن خون دادند ادامه دارد؛ تا آن زمان که به اذن خداوند و با ظهور منجی موعود همه امت ها حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف حقیقت آشکار گردد.

اما شیعیان و دوستداران اهل بیت که در شادی محبوب شان شاد و در حزن محبوب خود اندوهگین می شوند در عصر غیبت همراه با امام زمان خود بر مصیبت هایی که بر خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده است می گریند و نوحه و ناله می کنند و هر ساله و نسلی پس از نسل دیگر به اقامه عزا و ذکر مصیبت می پردازند تا ظلم هایی که به آن خاندان پاک شده است هرگز فراموش نشود و میراث گرانقدر معارف حقه شیعه به برکت چنین مجالسی سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شود... .

اقامه ی عزای سیدالشهداء علیه السّلام اقتدا به امامان معصوم علیهم السّلام است و اظهار دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا ست. در دل این عزاداری ها معرفتی نهفته است و محبتی که خود عامل نجات است. معرفتی که محب اهل بیت علیهم السّلام را در این عصر غفلت ها و شبهه ها و فتنه ها بیدار نگاه می دارد تا همیشه هشیار و خدمتگزار امام زمان خود باشد و همواره اولین دعایش دعا برای نجات محبوبش از زندان غیبت و اولین دغدغه اش شاد کردن دل آن حضرت و اولین حرکتش کسب علم و معرفت برای رهایی خود و دیگران از جهل و گمراهی باشد و عزمی قوی در ترک گناهان و رعایت تقوا داشته باشد... .

آخرین کلام اینکه حسین جان با بند بند وجودمان دوستت داریم و می بالیم از اینکه در غمت می نالیم و منتظر آن روزی هستیم که چشمانمان به قدوم مبارک فرزند دلبندهتان حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف روشن گردد و آن حضرت انتقام شما را از دشمنان خدا بگیرند... .

فهرست منابع

- ۱- عزاداری اباعبدالله الحسین علیه السلام؛ گروه فرهنگی مُنا
- ۲- اشک حسینی، سرمایه شیعه؛ عبدالحسین نیشابوری
- ۳- ادای حق ؛ سلمان قنبری
- ۴- گریه بر میت از مجموعه بر گستره کتاب و سنت ؛ علامه عسگری
- ۵- نرم افزار گنجینه روایات نور اثر مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
- ۶- و نیز رجوع به برخی سایت های اینترنتی برای استخراج برخی منابع و نقل قول ها